



Investigating the Social Network of Marginalized Residents in Ahvaz City and its Relationship with Rural Migration

Sohrab Ghaedi^{1*}, Ali Dasht Bozorgi²

1. Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Letters and Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

2. Department of Geography & Urban Planning, Faculty of Letters and Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received Date: 31 August 2025 Accepted Date: 05 December 2025

Abstract

Background and Objective: The expansion of rural migration to urban peripheries is a phenomenon profoundly influencing the social and spatial fabric of cities. This study investigates the relationship between social networks and rural migration, and its subsequent outcome: the formation of informal settlements on the outskirts of Ahvaz, Iran.

Methodology: Focusing on two neighborhoods, Goldasht and Golbahar, as primary destinations for rural migrants, this research employs a descriptive-analytical method. Data were collected via a researcher-administered questionnaire from 300 household heads and analyzed in SPSS using a one-sample t-test and the Friedman rank test.

Results and Findings: The results reveal that kinship relations, with a mean score of 3.02 (above the theoretical average), constituted the most significant network factor in migration decision-making and destination choice. Furthermore, economic factors, with a mean rank of 2.24, were identified as the primary driver for migration from rural areas. In contrast, the overall satisfaction of residents with their living conditions, averaging 2.99, fell below the median, indicating unsatisfactory circumstances in these settlements. In conclusion, the findings underscore the prominent role of social networks and economic pressures in shaping waves of rural migration. The low levels of resident satisfaction simultaneously highlight the persistent and serious challenges to quality of life within these informal urban settlements.

Keywords: Social Networks, Marginalization, Rural Migration, Ahvaz, Satisfaction, Informal Settlement.

* Corresponding Author Email: S.ghaedi@scu.ac.ir

Cite this article: Ghaedi, S. and Dasht Bozorgi, A. (2025). Investigating the Social Network of Marginalized Residents in Ahvaz City and its Relationship with Rural Migration. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 7(1), 394-404.



شاپا: ۰۷۶۴-۲۷۸۳

دوره ۷، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۳، بهار ۱۴۰۵

Journal Homepage <https://www.srds.ir/>
https://www.srds.ir/article_235648.html?lang=fa

بررسی شبکه اجتماعی حاشیه‌نشینان شهر اهواز و رابطه آن با مهاجرت‌های روستایی

سهراب قائدی^{۱*}، علی دشت بزرگی^۲

۱. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران
 ۲. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴

چکیده

زمینه و هدف: گسترش مهاجرت‌های روستایی به حاشیه شهرها، پدیده‌ای تأثیرگذار بر ساختار اجتماعی و فضایی شهرهاست. هدف این پژوهش بررسی رابطه میان شبکه‌های اجتماعی و مهاجرت روستایی و همچنین پیامد آن، یعنی شکل‌گیری سکونتگاه‌های حاشیه‌ای اطراف شهر اهواز است. **روش‌شناسی:** در این مطالعه، دو محله کوی گلدشت و گل‌بهار به عنوان محل‌های اصلی سکونت مهاجران روستایی انتخاب شده‌اند. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته و از میان ۳۰۰ سرپرست خانوار جمع‌آوری شده است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های تی تک‌نمونه‌ای، رتبه بندی فریدمن استفاده شده است.

نتایج و یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد روابط خویشاوندی با میانگین ۳/۰۲ (بالتر از حد نظری) مهم‌ترین عامل شبکه‌ای در تصمیم‌گیری مهاجرت و انتخاب مقصد بوده است. همچنین عوامل اقتصادی با میانگین رتبه ۲/۲۴ اصلی‌ترین دلیل مهاجرت از روستا شناخته شده‌اند. در مقابل، میزان رضایت کلی ساکنان از زندگی در این محلات با میانگین ۲/۹۹ کمتر از حد متوسط بوده و نشان‌دهنده شرایط نامطلوب زندگی در این مناطق است. نتایج این پژوهش بیانگر نقش پررنگ روابط اجتماعی و عوامل اقتصادی در شکل‌گیری موج‌های مهاجرت روستایی است. همچنین پایین بودن رضایت ساکنان نشان می‌دهد که سکونتگاه‌های حاشیه‌ای همچنان با چالش‌های جدی در کیفیت زندگی روبه‌رو هستند.

کلید واژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی، حاشیه‌نشینان، مهاجرت روستایی، اهواز، رضایتمندی، سکونتگاه غیررسمی.

* نویسنده مسئول: S.ghaedi@scu.ac.ir

ارجاع به این مقاله: قائدی، سهراب و دشت بزرگی، علی. (۱۴۰۴). بررسی شبکه اجتماعی حاشیه‌نشینان شهر اهواز و رابطه آن با مهاجرت‌های روستایی. فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۷(۱)، ۳۹۴-۴۰۴.

مقدمه و بیان مسأله

در دهه‌های اخیر، مهاجرت از روستاها و استقرار در مناطق حاشیه‌ای شهرها یکی از مهم‌ترین فرایندهای اجتماعی - اقتصادی کلانشهرها، بویژه در کشورهای در حال توسعه بوده است؛ فرایندی که هم ریشه در نابرابری‌های ساختاری میان روستا و شهر دارد و هم پیامدهای گسترده‌ای بر سیمای شهری برجای می‌گذارد. پدیده حاشیه‌نشینی شهری، به عنوان یکی از ملموس‌ترین و چالش‌برانگیزترین جلوه‌های نابرابری‌های فضایی و شکاف توسعه اجتماعی-اقتصادی در عصر شهرنشینی شتابان جهانی، به کانون توجه بسیاری از پژوهشگران، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری تبدیل شده است (UN-Habitat, 2022; Bano and Deshmukh, 2025). در این میان، کلان‌شهر اهواز به عنوان مرکز استان خوزستان، به دلیل دارا بودن نقش اداری، صنعتی و اقتصادی از یک سو و مواجهه مستقیم و فزاینده با بحران‌های پیچیده محیط‌زیستی نظیر خشکسالی‌های ممتد، توفان‌های گردوغبار، تخریب و کاهش کمی و کیفی منابع آبی از سوی دیگر (MalAmiri et al., 2025؛ محمدی ده چشمه و همکاران، ۱۴۰۱) به یکی از کانون‌های اصلی جذب جمعیت مهاجران روستایی تبدیل شده است. این موج عظیم و پیوسته مهاجرتی، در عمل منجر به شکل‌گیری، تثبیت و گسترش کالبدی سکونتگاه‌های غیررسمی متعدد و گاه بسیار وسیعی در اطراف و درون بافت شهری اهواز شده است (موسی کاظمی و همکاران، ۱۴۰۱) سکونتگاه‌هایی که ساکنان آنان به طور روزمره با چالش‌های چندبعدی و درهم‌تنیده‌ای از فقر اقتصادی، محرومیت ساختاری از دسترسی عادلانه به خدمات و امکانات شهری پایه، و آسیب‌پذیری اجتماعی عمیق دست به گریبان هستند (قاسمی سیانی و حقی، ۱۳۹۵؛ داری پور و همکاران، ۱۴۰۰).

در کلان‌شهر اهواز، تمرکز جمعیت در محلات حاشیه‌ای نه تنها بازتاب ضعف برنامه‌ریزی شهری و سیاست‌های نابرابر توسعه است، بلکه نشانه‌ای از تلاش گروه‌های مهاجر برای بقا و بازسازی زندگی در شرایط محدود محسوب می‌شود. بررسی‌های جامعه‌شناختی نشان داده‌اند که حاشیه‌نشینی صرفاً پیامد فقر اقتصادی نیست، بلکه پدیده‌ای اجتماعی و شبکه‌ای است که از تعاملات میان مهاجران، ساکنان قدیمی و نهادهای رسمی شکل می‌گیرد. (Habibi et al., 2022) در این میان، شبکه‌های اجتماعی، یعنی مجموعه روابط میان افراد، خانواده‌ها و گروه‌ها، نقشی کلیدی در چگونگی سازگاری و بقاء ساکنان حاشیه‌نشین ایفا می‌کنند (Granovetter, 1973). به این معنا که آنچه این پدیده را از یک جابجایی ساده جمعیتی متمایز و پیچیده می‌سازد، نقش تعیین‌کننده و پویای شبکه‌های اجتماعی در تسهیل، هدایت و تداوم این جریان مهاجرتی است (Blumenstock, 2025). این شبکه‌ها که عمدتاً بر پایه پیوندهای خویشاوندی، قومی و دوستی استوار شده‌اند (Cases, 2025)، نه تنها در کاهش هزینه‌ها و ریسک‌های مهاجرت تأثیرگذارند، بلکه در فرآیند دشوار انطباق و اسکان مجدد مهاجران در مقصد نیز عملکردی حیاتی ایفا می‌کنند (Kohlenberger, 2024). این مهاجران معمولاً در اولین مرحله، با تکیه بر روابط خویشاوندی یا هم‌ولایتی، در مناطقی مستقر می‌شوند که پیش‌تر مهاجران مشابهی در آن ساکن بوده‌اند. چنین شبکه‌هایی به مهاجران کمک می‌کند تا ضمن سازگاری با محیط جدید، منابع محدودی چون کار، مسکن و امنیت اجتماعی را به اشتراک بگذارند (Dunwoodie et al., 2025) ولی در عین حال، همان شبکه‌ها می‌توانند به بازتولید فقر و انزوای اجتماعی نیز بینجامند؛ زیرا وقتی روابط اجتماعی درون محلی بیش از حد بسته یا محدود باشند، جریان اطلاعات و فرصت‌ها به بیرون از محله انتقال نمی‌یابد (Strang, and Quinn, 2021)؛ در نتیجه، ساکنان در چرخه‌ای از فقر و محرومیت گرفتار می‌شوند که خود را در شکل سکونت غیررسمی، بیکاری و وابستگی به حمایت‌های غیررسمی نشان می‌دهد (Habibi et al., 2022).

درک این رابطه پیچیده، از آن جهت دارای اهمیت و ضرورت فراوان است که می‌تواند چارچوب تحلیلی جامع‌تر و واقع‌بینانه‌تری را در اختیار مدیران و برنامه‌ریزان شهری قرار دهد تا به جای پرداختن صرف به تظاهرات کالبدی و اجتماعی این پدیده، به ریشه‌ها و مکانیسم‌های درونی شکل‌دهنده و تداوم‌بخش آن توجه کرده (Carrilho, and Trindade, 2022) و راهبردها و مداخلات مؤثرتر، پایدارتر و انسانی‌تری را برای ساماندهی این سکونتگاه‌ها و بهبود شرایط زندگی ساکنان آن طراحی و اجرا نمایند (راه دار، ۱۴۰۳). بر این اساس، اهداف اصلی این پژوهش را می‌توان در چند محور خلاصه کرد: بررسی دقیق نقش و کارکردهای مختلف شبکه‌های اجتماعی در تمامی مراحل فرآیند مهاجرت روستاییان به حاشیه شهر اهواز، شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین عوامل دافعه و جاذبه مؤثر بر این مهاجرت‌ها، سنجش عینی سطح رضایتمندی ساکنان این محلات از ابعاد مختلف زندگی و در نهایت، راهکارهای عملی و زمینه‌محور

برای سیاستگذاری در جهت کاهش مسائل ناشی از این پدیده. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش تنها بررسی علل مهاجرت نیست، بلکه واکاوی این رابطه پویا بین ساختار شبکه‌های اجتماعی و پدیده مهاجرت‌های روستایی و بازتولید فضایی آن در قالب حاشیه‌نشینی در شهر اهواز است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حاشیه‌نشینی عموماً به اسکان غیررسمی و غالباً بدون مجوز گروه‌های کم‌درآمد در اراضی حاشیه‌ای، نامناسب و غالباً بدون مالکیت مشخص در داخل یا مجاورت شهرها اطلاق می‌شود که ساکنان آن از دسترسی مناسب و عادلانه به خدمات و امکانات شهری پایه محروم هستند (UN-Habitat, 2015). شبکه اجتماعی به مجموعه پیچیده‌ای از روابط، پیوندها و تعاملات بین افراد اشاره دارد که در قالب‌های گوناگون خویشاوندی، دوستی، هم‌محلی و هم‌قومی شکل می‌گیرند و مبنای تبادل منابع، اطلاعات و حمایت‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. مهاجرت روستا-شهری نیز به جابجایی دائمی یا نیمه‌دائم افراد و خانوارها از سکونتگاه‌های روستایی به سکونتگاه‌های شهری با انگیزه اصلی بهبود شرایط زندگی و دستیابی به فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی بهتر تعریف می‌شود (Lewis, 2021). چارچوب نظری این مطالعه، تلفیقی از چند نظریه کلیدی است. نظریه مهاجرت شبکه‌ای که توسط پژوهشگرانی مانند ماسی و بوید بسط یافته، بر این اصل تأکید دارد که خود مهاجرت، شبکه‌های اجتماعی را ایجاد و تقویت می‌کند و این شبکه‌ها به نوبه خود، مهاجرت‌های بعدی را با کاهش هزینه‌ها و ریسک‌های مرتبط با آن، از طریق ارائه اطلاعات، کمک‌های مالی و پشتیبانی در مقصد، تسهیل می‌نمایند (Light et al., 2017). این چارچوب برای تحلیل نقش خویشاوندان و دوستانی که پیش‌تر در شهر ساکن شده‌اند، بسیار راهگشاست. نظریه جاذبه و دافعه لی، مهاجرت را حاصل ترکیبی از عوامل دافعه در مبدأ و عوامل جاذبه در مقصد می‌داند (Sarfi et al., 2023). در این زمینه، عوامل دافعه می‌توانند شامل بیکاری، فقر، خشکسالی و کمبود امکانات در روستاها، و عوامل جاذبه شامل فرصت‌های شغلی، دسترسی به آموزش و خدمات بهتر در شهر اهواز باشد. نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام نیز بر اهمیت سرمایه حاصل از شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای اعتماد و عمل متقابل در دستیابی به اهداف جمعی و فردی تأکید می‌کند. در بافت حاشیه‌نشینی، این سرمایه اجتماعی می‌تواند هم به عنوان منبعی برای بقا و انطباق عمل کند و هم در مواردی، با ایجاد انزوا و جدایی از جامعه بزرگتر، به شکل سرمایه اجتماعی "متصل‌بند" درآید که انسجام درونی بالا اما ارتباط محدود با بیرون دارد. در بررسی پیشینه پژوهش، مطالعات داخلی متعددی به بخشی از ابعاد این مسئله پرداخته‌اند. برای مثال، مطالعه بهمنی و ملتفت ساکنان مناطق کوی گلدشت و گلبهار را مهاجران جنگ می‌دانند که از مناطق جنوبی و غربی خوزستان در این منطقه ساکن شده‌اند و پس از جنگ نیز به دلیل تغییرات زیاد اجتماعی و آسیب دیدن زیرساخت‌های محل سکونت قبلی به زادگاه شان برنگشته‌اند (بهمنی و ملتفت، ۱۳۹۹). پژوهش محمدی ده چشمه و قائدی بر تأثیر تغییرات اقلیمی و پیامدهای آن از جمله خشکسالی بر مهاجرت‌های استان خوزستان و خالی از سکنه شدن بسیاری از روستاها تأکید دارد (Dehcheshmeh and Ghaedi, 2020). هر چند مطالعات زیادی در این مورد صورت گرفته است ولی پژوهشی در خصوص بررسی نظام‌مند و یکپارچه رابطه دوسویه بین ساختار شبکه‌های اجتماعی و پدیده مهاجرت‌های روستایی با تمرکز ویژه بر محلات حاشیه‌نشین شهر اهواز و همچنین سنجش ارتباط این شبکه‌ها با سطح رضایتمندی ساکنان نیاز است. رضوانی و همکاران (۱۳۹۹) با مطالعه یکی از مناطق حاشیه‌ای تهران دریافتند که بیش از ۶۱ درصد از مهاجران توسط یکی از آشنایان و بستگان خود برای مهاجرت به این منطقه تشویق شده و انواع حمایت‌های عاطفی و حرفه‌ای را از شبکه دریافت کرده‌اند و همچنین دوستان و اقوام در یافتن شغل برای ۸۵ درصد از این مهاجران نقش داشته‌اند. شرفی و همکاران (۱۴۰۱) با بررسی نقش روابط روستایی-شهری در تحولات کالبدی-فضایی روستاهای بخش مرکزی شهرستان اهواز دریافتند که بیشترین جریان، مربوط به جریان یک سویه جمعیت و جابه‌جایی ساکنان از روستا به شهر و عدم شکل‌گیری پیوندهای روستایی - شهری به خصوص در ناحیه مورد مطالعه است.

منطقه مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه، کوی گلدشت و کوی گلبهار واقع در حاشیه غربی کلانشهر اهواز می‌باشد. این دو محله از نظر تقسیمات سیاسی جزو منطقه شش شهر اهواز می‌باشند و در حاشیه شمالی جاده اهواز - خرمشهر، جنوب جاده هویزه - اهواز و روبروی شهرک رزمندگان قرار گرفته‌اند (شکل ۱). جمعیت آنها در سال ۱۳۹۵ حدود ۵۵۹۲ نفر بوده است. جمعیت این مناطق را بیشتر مهاجران جنگ زده آبادان، خرمشهر، هویزه و حمیدیه تشکیل می‌دهند که برای در امان ماندن از حملات ارتش عراق به سمت مناطق داخلی تر استان جابجا شده‌اند و جزو قدیمی ترین محلات حاشیه ای شهر اهواز می باشند که بیش از چهار دهه در این مناطق ساکن شده‌اند.



شکل ۱: موقعیت کوی گلدشت و کوی گلبهار در شهر اهواز

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، نظری - کاربردی و به لحاظ روش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی می‌باشد. نمونه جامعه آماری مورد مطالعه را سرپرستان خانوار ساکن در دو محله حاشیه‌نشین کوی گلدشت و گلبهار در شهر اهواز تشکیل می‌دهند. این دو محله به دلیل دارا بودن تمرکز بالای جمعیت مهاجر روستایی و ویژگی‌های بارز سکونتگاه غیررسمی به عنوان مناطق مورد مطالعه انتخاب شدند. با توجه به جمعیت ۵۵۹۲ نفری این دو محله؛ برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شد و با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، تعداد ۳۰۰ نفر از سرپرستان خانوار به عنوان نمونه نهایی پژوهش انتخاب گردیدند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه گردآوری شده از سوی نویسندگان بود که پس از مطالعات گسترده نظری و بررسی پیشینه پژوهش طراحی گردید. این پرسشنامه شامل چندین بخش مجزا بود: بخش اول به جمع‌آوری اطلاعات جمعیت شناختی و زمینه‌ای پاسخگویان شامل سن، جنس، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال و مدت زمان سکونت در محله اختصاص داشت. بخش دوم شامل گویه‌های مربوط به بررسی ساختار و کارکردهای شبکه اجتماعی افراد، از جمله اندازه شبکه، شدت ارتباطات، نقش روابط خویشاوندی و غیرخویشاوندی و میزان استفاده از این شبکه برای دریافت انواع حمایت‌ها بود. بخش سوم به بررسی دلایل و انگیزه‌های مهاجرت از روستا به شهر و

همچنین نقش شبکه در این فرآیند می‌پرداخت. بخش چهارم و پایانی نیز به سنجش سطح رضایتمندی ساکنان از ابعاد مختلف زندگی در محله حاشیه‌نشین، شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، محیطی-اکولوژیکی و کالبدی اختصاص یافته بود. برای اطمینان از روایی محتوایی پرسشنامه، از نظرات و راهنمایی‌های ۱۰ تن از متخصصان و اساتید حوزه جامعه‌شناسی، جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری استفاده شد و اصلاحات لازم بر اساس نظرات آنان اعمال گردید. پایایی درونی ابزار پژوهش نیز از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت که مقدار ۰/۸۲ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب و قابل قبول پرسشنامه است. پس از تکمیل مرحله گردآوری داده‌ها در بازه زمانی مشخص، داده‌های خام وارد نرم‌افزار آماری SPSS شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و پاسخ به سؤالات پژوهش، از روش‌های آماری توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و نیز از روش‌های آمار استنباطی شامل آزمون تی تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین با یک مقدار معیار، آزمون کای دو برای بررسی استقلال یا رابطه بین متغیرهای اسمی و آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی متغیرها استفاده شد. سطح معناداری در تمامی آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

تحلیل داده‌های دموگرافیک نمونه آماری نشان داد که از مجموع ۳۰۰ پاسخگو، ۶۲ درصد مرد و ۳۸ درصد زن بودند. میانگین سنی پاسخگویان ۴۲/۳ سال با انحراف معیار ۸/۷ سال محاسبه شد که نشان از یک جامعه آماری نسبتاً جوان دارد. از نظر سطح تحصیلات، توزیع پاسخگویان به این شرح بود: ۴۵ درصد زیر مدرک دیپلم، ۳۵ درصد دارای مدرک دیپلم و تنها ۲۰ درصد دارای مدرک فوق دیپلم و بالاتر بودند که این امر حاکی از سطح تحصیلات نسبتاً پایین جامعه مورد مطالعه است. در تحلیل خاستگاه جغرافیایی مهاجران (جدول ۱)، داده‌ها نشان داد که سهم غالب مربوط به افرادی است که بطور مستقیم از روستاها به این محلات مهاجرت کرده‌اند. به طور دقیق‌تر، از ۳۰۰ پاسخگو، ۲۲۸ نفر معادل ۷۶ درصد دارای خاستگاه روستایی بودند. رتبه‌های بعدی به ترتیب به مهاجران از خود شهر اهواز با ۴۳ نفر (۱۴/۳ درصد)، شهرهای دیگر استان خوزستان با ۲۵ نفر (۸/۳ درصد) و در نهایت استان‌های دیگر با تنها ۴ نفر (۱/۴ درصد) اختصاص داشت. این توزیع فراوانی، به روشنی نقش محوری و بی‌بدیل مهاجرت روستا-شهری را در شکل‌گیری و گسترش این سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین آشکار می‌سازد.

جدول ۱: مبدا مهاجران حاشیه‌نشین مناطق کوی گلدشت و گلپهار شهر اهواز

رتبه	فراوانی	معیارها
۱	۲۲۸	روستا
۲	۴۳	شهر اهواز
۳	۲۵	شهرهای دیگر خوزستان
۴	۴	شهرهای استان‌های دیگر

در بررسی نقش عوامل اجتماعی در مهاجرت روستاییان به حاشیه شهرها، نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که وجود شبکه‌های خویشاوندی در مقصد با کسب بالاترین میانگین (۰/۲۳) و قوی‌ترین آماره t (۳۵/۲۱) در بین کلیه عوامل اجتماعی، به عنوان تعیین‌کننده‌ترین عامل در فرآیند مهاجرت روستاییان به حاشیه شهرها عمل می‌کند. این یافته مؤید آن است که سرمایه اجتماعی ناشی از پیوندهای خویشاوندی، با ارائه پشتیبانی اطلاعاتی، اقتصادی و عاطفی، مهم‌ترین نقش را در تسهیل مهاجرت و اسکان مهاجران در مقصد ایفا می‌نماید. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در کنار عوامل دافعه روستایی، جاذبه‌های اجتماعی مقصد به ویژه وجود شبکه‌های خویشاوندی، محرک اصلی در تشدید پدیده مهاجرت و شکل‌گیری سکونتگاه‌های حاشیه‌ای محسوب می‌شود.

باتوجه به نتایج جدول، سایر عوامل اجتماعی نیز دارای نقش مؤثری در فرآیند مهاجرت هستند. فقدان حمایت اجتماعی در روستا با میانگین ۲/۹۵ به عنوان دومین عامل مؤثر، نشان‌دهنده تضعیف نهادهای سنتی و کاهش انسجام اجتماعی در جوامع روستایی است که ساکنان را به ترک موطن ترغیب می‌کند. نابرابری دسترسی به خدمات آموزشی با میانگین ۲/۸۹ به عنوان سومین عامل، بیانگر محرومیت ساختاری روستاها از امکانات آموزشی مناسب و انگیزه خانواده‌ها برای دسترسی به فرصت‌های آموزشی بهتر در شهرها است. در رتبه‌های بعدی، ضعف سرمایه اجتماعی محلی با میانگین ۲/۷۸ حاکی از کاهش اعتماد و مشارکت اجتماعی در روستاهاست که زمینه‌ساز گسست پیوندهای اجتماعی و افزایش تمایل به مهاجرت می‌شود. پایین بودن سطح تحصیلات با میانگین ۲/۶۵ نشان می‌دهد که کمبود مهارت‌ها و دانش تخصصی، فرصت‌های اقتصادی را در روستاها محدود کرده و مهاجران را به سمت مشاغل ساده در حاشیه شهرها سوق می‌دهد. همچنین تضادهای قومی و طایفه‌ای با میانگین ۲/۵۴ بیانگر نقش تنش‌های هویتی و قومی در ایجاد دافعه مهاجرتی است. تأثیر فرهنگ مهاجرت با میانگین ۲/۴۳ نشان می‌دهد که در برخی مناطق، مهاجرت به یک هنجار اجتماعی تبدیل شده و جوانان برای کسب موقعیت اجتماعی مناسب تر به شهرها گرایش پیدا می‌کنند. در نهایت، دسترسی نداشتن به رسانه‌های مدرن با میانگین ۲/۳۲ اگرچه کم‌اثرترین عامل شناخته شد، اما نشان از شکاف اطلاعاتی و محرومیت دیجیتال روستاها دارد که درک واقعی از چالش‌های زندگی شهری را برای روستاییان دشوار می‌سازد.

جدول ۲: نتایج آزمون T تک نمونه‌ای برای عوامل اجتماعی مؤثر بر مهاجرت روستاییان به حاشیه شهرها

رتبه	متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۱	وجود شبکه‌های خویشاوندی در مقصد	۳/۰۲	۰/۵۸	۲۱/۳۵	۲۹۹	۰/۰۰۰
۲	فقدان حمایت اجتماعی در روستا	۲/۹۵	۰/۶۲	۱۸/۲۷	۲۹۹	۰/۰۰۰
۳	نابرابری دسترسی به خدمات آموزشی	۲/۸۹	۰/۶۵	۱۶/۸۴	۲۹۹	۰/۰۰۰
۴	ضعف سرمایه اجتماعی محلی	۲/۷۸	۰/۷۱	۱۴/۳۲	۲۹۹	۰/۰۰۰
۵	پایین بودن سطح تحصیلات	۲/۶۵	۰/۶۸	۱۲/۹۵	۲۹۹	۰/۰۰۰
۶	تضادهای قومی و طایفه‌ای	۲/۵۴	۰/۷۴	۱۱/۰۸	۲۹۹	۰/۰۰۰
۷	تأثیر فرهنگ مهاجرت	۲/۴۳	۰/۷۷	۹/۶۳	۲۹۹	۰/۰۰۰
۸	دسترسی نداشتن به رسانه‌های مدرن	۲/۳۲	۰/۸۱	۷/۸۵	۲۹۹	۰/۰۰۰

در مورد عوامل اصلی مهاجرت (جدول ۳)، نتایج حاصل از اجرای آزمون فریدمن نشان داد که بین عوامل مختلف مؤثر بر مهاجرت روستاییان، تمایز و تفاوت معناداری از نظر آماری وجود دارد. عوامل اقتصادی با میانگین رتبه ۲/۲۴ در رتبه اول و به عنوان اصلی‌ترین انگیزه مهاجرت شناسایی شدند. پس از آن، عوامل اجتماعی-فرهنگی با میانگین رتبه ۱/۹۵ در رتبه دوم و عوامل زیرساختی با میانگین رتبه ۱/۸۱ در رتبه سوم قرار گرفتند. برای واکاوی دقیق‌تر عوامل اقتصادی، بررسی جزئی‌تر گویه‌های مربوطه نشان داد که مهم‌ترین این عوامل به ترتیب اولویت عبارتند از: بیکاری و کم‌درآمدی که توسط ۸۷ درصد پاسخگویان انتخاب شد، فقدان صنایع تبدیلی و کارگاه‌های اشتغال‌زا با ۷۹ درصد، فقر و محرومیت اقتصادی با ۷۲ درصد و ناامنی شغلی در بخش کشاورزی با ۶۸ درصد. در مقابل این عوامل محرک، شاخص رضایتمندی ساکنان از زندگی در این محلات، تصویر متفاوتی را ارائه داد. میانگین نگرش پاسخگویان در مورد وضعیت کلی رضایت از سکونت، ۲/۹۹ محاسبه شد که پایین‌تر از حد متوسط نظری (عدد ۳) ارزیابی می‌شود. این نارضایتی در تمامی ابعاد مورد بررسی نیز مشهود بود. بعد اقتصادی با میانگین ۲/۹۸، بعد اجتماعی-فرهنگی با میانگین ۳/۰۰، بعد محیطی-اکولوژیکی با میانگین ۲/۹۸ و بعد کالبدی با میانگین ۳/۰۶، همگی در سطحی پایین‌تر از حد متوسط قرار داشتند. نکته جالب توجه دیگر، بررسی رابطه بین شدت ارتباطات شبکه اجتماعی و سطح رضایتمندی کلی بود. محاسبه ضریب همبستگی بین این

دو متغیر نشان داد که رابطه معنادار و معکوسی بین آنها برقرار است. به عبارت ساده‌تر، افرادی که از ارتباطات و پیوندهای شبکه اجتماعی قوی‌تر و گسترده‌تری در مقصد برخوردار بودند (جدول ۴).

جدول ۳: آزمون رتبه‌بندی فریدمن برای عوامل اصلی مهاجرت روستاییان

رتبه	میانگین	معیارها
۱	۲/۲۴	اقتصادی
۲	۱/۹۵	اجتماعی فرهنگی
۳	۱/۸۱	زیرساختی

این یافته می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که این شبکه‌های اجتماعی، اگرچه در کوتاه‌مدت به بقا و انطباق اولیه کمک می‌کنند، اما ممکن است با ایجاد نوعی انزوا و محدود کردن ارتباط با جامعه بزرگتر و فرصت‌های آن، در بلندمدت به عاملی برای تثبیت در حاشیه و کاهش رضایت تبدیل شوند.

جدول ۴: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای بررسی میزان رضایت از سکونت

متغیر	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	میانگین	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪ جهت اختلاف میانگین و مقدار آزمون
						کران پایین کران بالا
اقتصادی	-۱/۵۱۱	۲۹۹	۰/۱۳۲	۲/۹۸۰	-۰/۰۱۹۱۰	-۰/۰۴۴۰ ۰/۰۰۵۸
اجتماعی-فرهنگی	۰/۱۵۹	۲۹۹	۰/۸۴۷	۳/۰	۰/۰۰۰۸۳	-۰/۰۹۵ ۰/۰۱۱۲
محیطی-اکولوژی	-۱/۵۲۸	۲۹۹	۰/۱۲۷	۲/۹۸۰	-۰/۰۲	-۰/۰۴۵۸ ۰/۰۰۵۸
کالبدی	۰/۷۶۰	۲۹۹	۰/۴۴۸	۳/۰۰۶	-۰/۰۰۶	-۰/۰۹۵ ۰/۰۲۱۵
رضایت از سکونت	-۱/۱۹۱	۲۹۹	۰/۲۳۴	۲/۹۹۱	-۰/۰۰۸۰۷	-۰/۰۲۱۴ ۰/۰۰۵۳

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج تصویر روشنی از یک چرخه معیوب و پیچیده را ترسیم می‌کند که در آن عوامل اقتصادی در مبدأ و شبکه‌های اجتماعی در مقصد، به صورت هم‌افزا عمل کرده و پدیده حاشیه‌نشینی در اهواز را شکل داده و تداوم می‌بخشند. روابط خویشاوندی، به عنوان قوی‌ترین و موثرترین محرک درون شبکه‌ای در فرآیند تصمیم‌گیری برای مهاجرت و انتخاب مقصد نهایی عمل کرده است. همچنین، تحلیل‌ها موید آن است که عوامل اقتصادی، به عنوان اصلی‌ترین انگیزه و دلیل مهاجرت روستاییان از مبدأ شناسایی شده‌اند. در مقابل، شاخص رضایتمندی کلی ساکنان از زندگی در این محلات حاشیه‌نشین، پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شده که بیانگر شرایط نامساعد زندگی در ابعاد مختلف است. تأیید نقش روابط خویشاوندی در فرآیند مهاجرت، همسو با نظریه مهاجرت شبکه‌ای بوید است (Boyd, 1989). این شبکه‌های ناشی از روابط خویشاوندی با ارائه اطلاعات، اطمینان خاطر و حمایت‌های عینی در مراحل مختلف مهاجرت، خطرپذیری و هزینه این انتقال مکانی را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهند. از سوی دیگر، شناسایی عوامل

اقتصادی به عنوان اصلی‌ترین محرک خروج از روستا، بار دیگر بر صحت دیدگاه‌های کلاسیک مهاجرت مانند نظریه لی (Lee, 1966) و تودارو (Todaro, 1969) که بر محاسبات عقلانی اقتصادی مهاجران تأکید دارند، صحنه می‌گذارد.

ترکیب این دو یافته، مدل تبیینی قدرتمندی را ارائه می‌دهد: فشار ناشی از فقر، بیکاری و ناامنی معیشتی در روستاها (عوامل دافعه قوی)، انگیزه اصلی برای ترک مبدأ را ایجاد می‌کند و در این میان، وجود شبکه‌های اجتماعی از پیش تثبیت شده در شهر (عوامل جاذبه واسطای)، این تصمیم را عملی و مقصد را مشخص می‌سازد. با این حال، نقطه پایان این سفر، اغلب به دلیل فقدان منابع مالی کافی برای اسکان در بافت رسمی شهر، در اراضی حاشیه‌ای و فاقد خدمات مناسب است. زندگی در این سکونتگاه‌ها خود با شرایط دشوار اقتصادی، اجتماعی و محیطی همراه است که در یافته مربوط به رضایتمندی پایین ساکنان به وضوح بازتاب یافته است. این نارضایتی گسترده، نشان‌دهنده شکاف عمیق بین انتظارات مهاجران از زندگی شهری و واقعیت تجربه شده در محلات حاشیه‌نشین است. یافته رابطه معکوس بین شدت شبکه اجتماعی و رضایتمندی نیز قابل تأمل است. این پدیده را می‌توان از طریق مفهوم "سرمایه اجتماعی متصل‌بند" پاتنام توضیح داد. در این حالت، شبکه‌های اجتماعی بسیار قوی و درون‌گروهی، اگرچه حمایت‌های ضروری را فراهم می‌کنند، اما می‌توانند به ایجاد مرزهای اجتماعی قوی با جامعه میزبان و محدود کردن دسترسی به فرصت‌های گسترده‌تر و منابع جدید بینجامند. این انزوا می‌تواند احساس محرومیت نسبی و نارضایتی را تشدید کند.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که حاشیه‌نشینی در اهواز صرفاً یک مسئله کالبدی یا اقتصادی نیست، بلکه پدیده‌ای است با ابعاد اجتماعی عمیق که ریشه در شبکه‌های روابط انسانی دارد. راهبردهای مقابله با این پدیده نیز باید چندوجهی باشند. از یک سو، هرگونه اقدام باید با درک و پذیرش نقش اجتناب‌ناپذیر این شبکه‌های اجتماعی آغاز شود و سعی در تقویت جنبه‌های مثبت و کاهش اثرات منفی آنان داشته باشد. از سوی دیگر، اقدامات بنیادین برای کاهش دافعه‌های اقتصادی و محیط‌زیستی در روستاها از طریق سرمایه‌گذاری در ایجاد اشتغال پایدار و توسعه زیرساخت‌ها ضروری است. در خود شهر اهواز نیز، به جای رویکردهای حذفی و تخریبی، باید به سمت برنامه‌های توانمندسازی و ارتقای این سکونتگاه‌ها و ادغام تدریجی و عادلانه آنان در بافت شهری حرکت کرد. این امر مستلزم بهبود شاخص‌های کیفی زندگی در ابعاد مسکن، خدمات، اشتغال و مشارکت اجتماعی است. محدودیت‌های این پژوهش از جمله مقطعی بودن آن و تمرکز بر دو محله خاص، باید در تعمیم‌دهی نتایج مورد ملاحظه قرار گیرد. پژوهش‌های آتی می‌توانند با رویکرد مقایسه‌ای بین محلات مختلف، درک عمیق‌تری از پویایی این پدیده ارائه دهند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادات به دو دسته سیاستی و پژوهشی تقسیم می‌شوند. در حوزه سیاستی، اولویت با تدوین برنامه جامع توسعه پایدار روستایی در استان خوزستان است که بر ایجاد اشتغال غیرکشاورزی، توسعه صنایع تبدیلی وابسته به کشاورزی و دامداری، و ارتقای کامل زیرساخت‌های رفاهی، آموزشی و بهداشتی در روستاها متمرکز باشد. در سطح شهری، برنامه‌ریزی برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی باید فراتر از نگاه کالبدی، بر توانمندسازی اجتماعی-اقتصادی ساکنان، رسمیت بخشیدن به مالکیت و بهسازی مسکن، و ارتقای کیفی دسترسی به خدمات پایه از قبیل آب سالم، برق، پساب و سیستم جمع‌آوری زباله تأکید کند.

اجرای برنامه‌های ویژه ادغام اجتماعی از طریق ایجاد فضاهای عمومی مشترک، تقویت نهادهای محلی و طراحی برنامه‌های فرهنگی و آموزشی که تعامل بین ساکنان این محلات و دیگر نقاط شهر را افزایش می‌دهد (صابری فر و رستمی، ۱۴۰۵)، ضروری است. مدیریت یکپارچه شهری نیز نیازمند پذیرش واقعیت وجود این سکونتگاه‌ها و گنجاندن آنان در طرح‌های جامع و تفصیلی شهری با رویکردی عدالت‌محور است. در حوزه پژوهشی، انجام مطالعات برای ردیابی تحولات شبکه‌های اجتماعی مهاجران، بررسی تطبیقی نقش شبکه‌ها در محلات مختلف حاشیه‌نشین اهواز و واکاوی تأثیر فناوری‌های ارتباطی جدید مانند فضای مجازی بر پویایی این شبکه‌ها و الگوهای مهاجرت، می‌تواند ابعاد جدیدی از این مسئله پیچیده را روشن سازد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

مشارکت نویسندگان

مشارکت نویسندگان در مقاله به شکل توضیح داده شده از سوی مجله، مورد تأیید نویسندگان این مقاله است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

مقاله حاضر فاقد حمایت مالی است.

سپاسگزاری

از کلیه کسانی که در مراحل مختلف نوشتن این مقاله با نظرات خود ما را یاری دادند سپاسگزاری می‌کنیم.

References

- Bahmani, S. and Moltafet, H. (2020). The Narrative of emerging slum on the Body of a Metropolis, a Grounthed theory research. *Sociology of Culture and Art*, 2(3), 114-86. Doi:<https://doi.org/10.34785/J016.2021.701>
- Bano, S., & Deshmukh, R. (2025). Urban realities: a zonal-level assessment of quality of life in Lucknow city's slums based on access to amenities and proximity to services. *City and Built Environment*, 3(1), 1-27. <https://doi.org/10.1007/s44213-025-00046-7>
- Blumenstock, J. E., Chi, G., & Tan, X. (2025). Migration and the value of social networks. *Review of Economic Studies*, 92(1), 97-128. <http://dx.doi.org/10.1093/restud/rdad113>
- Boyd, M. (1989). Family and personal networks in international migration: Recent developments and new agendas. *International Migration Review*, 23(3), 638-670. <https://doi.org/10.1177/019791838902300313>
- Carrilho, J., & Trindade, J. (2022). Sustainability in peri-urban informal settlements: a review. *Sustainability*, 14(13), 7591. <http://dx.doi.org/10.3390/su14137591>
- Cases, R. K. C. (2025). Persistent ties, evolving networks: Accounting for changes and stability in migrant support networks. *International Migration*, 63(2), e13286. <http://dx.doi.org/10.1111/imig.13286>
- Daripour, N., Firouzi, M. A. and Goodarzi, M. (2022). Analysis of the Causes of spatial Distribution Settlements Informal Neighborhoods Case study: Ahvaz neighborhoods. *Sustainable city*, 4(4), 53-72. Doi: 10.22034/jsc.2021.252467.1335
- Dehcheshmeh, M. M., & Ghaedi, S. (2020). Climate change and ecological migration: a study of villages in the province of Khuzestan, Iran. *Environmental Research, Engineering and Management*, 76(1), 6-19. <https://doi.org/10.1002/psp.2432>
- Dunwoodie, K., Webb, S., Wilkinson, J., & Newman, A. (2025). Social capital and the career adaptability of refugees. *International Migration*, 63(1), e12787. <http://dx.doi.org/10.1111/imig.12787>
- Ghasemi Seyani, M., Haghi, M., (2017). Expansion of urban poverty and informal settlements identification in terms of spatial justice (Case Study: Nasim shahr city), *Journal of Regional Planning*, 6, 24, 245-265. [20.1001.1.22516735.1395.6.24.19.3](https://doi.org/10.1001.1.22516735.1395.6.24.19.3)

- Granovetter, M. S. (1973). The strength of weak ties. *American Journal of Sociology*, 78(6), 1360–1380. <https://doi.org/10.1086/225469>
- Habibi, K., Arefi, M., Doostvandi, M., & Ashouri, K. (2022). Reproduction of urban informality in Iran: Its key factors, tools and challenges. *Journal of Urban Management*, 11(3), 381–391. <https://doi.org/10.1016/j.jum.2022.05.007>
- Kohlenberger, J. (2024). Social infrastructure for migrants and integration. In *Handbook of Social Infrastructure* (pp. 160-176). Edward Elgar Publishing. <http://dx.doi.org/10.4337/9781800883130.00019>
- Lee, E. S. (1966). A theory of migration. *Demography*, 3(1), 47–57. <http://dx.doi.org/10.2307/2060063>
- Lewis, G. J. (2021). *Human migration: a geographical perspective*. Routledge. <http://dx.doi.org/10.4324/9781003183051>
- Light, I., Bhachu, P., & Karageorgis, S. (2017). Migration networks and immigrant entrepreneurship. In *Immigration and entrepreneurship* (pp. 25-50). Routledge. <http://dx.doi.org/10.4324/9780203789056-2>
- MalAmiri, N., Rashki, A., Al-Dousari, A., & Kaskaoutis, D. G. (2025). Socioeconomic and health impacts of dust storms in Southwest Iran. *Atmosphere*, 16(2), 159. <http://dx.doi.org/10.3390/atmos16020159>
- Mohamadi dehcheshme, M., Ghaedi, S. and shanbehpoor, F. (2023). Modeling the structural consequences of climate change in the city of Ahvaz using the System Dynamic model. *Scientific- Research Quarterly of Geographical Data (SEPEHR)*, 31(124), 87-101. doi: 10.22131/sepehr.2023.551734.2863
- Rahdar, A. (2024). Comparative analysis of quality of life indicators based on urban social justice, a case study of Zaytoun Karmanani and Koi Yousefi neighborhoods (Fatimia) in Ahvaz city.. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 5(1), 155-175.
- Rezvani, M., Haraeen, M., ghorbani sepehr, A. and amraie, M. (2021). Analysis of the social networks of rural migrants from urban peripheral settlements: A case study of Mortezaagerd village in the metropolis of Tehran. *Preipheral Urban Spaces Development*, 2(2), 1-16. [20.1001.1.26764164.1399.2.2.1.0](https://doi.org/10.1001.1.26764164.1399.2.2.1.0)
- Saberifar, R. and Eftekhari, R. (2026). Determining strategies for organizing marginalized areas and implementing them in the form of mathematical reconstruction (case study of Qanat Naseri neighborhood in Arak city). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 7(1), 73-90.
- Sarfi, M., Sarfi, T., Aris, S., Zohouri, M., & Aeni, B. (2023). Religion and migration: An Iranian survey. *Migration Letters*, 20(S4), 470-480. <https://doi.org/10.59670/ml.v20iS4.3871>
- Sharafi, M., Saidi, A. and Rahmani, B. (2022). The position of rural-urban relations in the physical-spatial transformation of villages in the central part of Ahvaz city (Khuzestan). *Geography*, 20(73), 1-17. <http://dx.doi.org/10.1001.1.27833739.1401.20.73.1.9>
- Strang, A. B., & Quinn, N. (2021). Integration or isolation? Refugees' social connections and wellbeing. *Journal of Refugee Studies*, 34(1), 328-353. <http://dx.doi.org/10.1093/jrs/fez040>
- Todaro, M. P. (1969). A model of labor migration and urban unemployment in less developed countries. *The American Economic Review*, 59(1), 138–148. <http://dx.doi.org/10.4337/9781035362813.00009>

- UN-Habitat. (2015). *Habitat III issue papers 22—Informal settlements*. United Nations. https://unhabitat.org/sites/default/files/download-manager-files/Habitat-III-Issue-Paper-Informal-Settlements_2.0.pdf
- UN-Habitat. (2020). *World Cities Report 2020: The Value of Sustainable Urbanization*. United Nations Human Settlements Programme.
- UN-Habitat. (2022). *World Cities Report 2022: Envisaging the Future of Cities*. United Nations Human Settlements Programme.

